



علل تأخیر در ازدواج از دیدگاه دانشجویان مجرد دانشگاه علوم پزشکی نیشابور: مطالعه مقطعی ۱۴۰۴

نگار میرزایی^۱، فاطمه اریس^۱، علیرضا قدسی^۲، حسن قدسی^{۳*}

- ۱- دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران
- ۲- استادیار، گروه آمار، دانشکده ریاضی و علوم کامپیوتر، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران
- ۳- مرکز تحقیقات سلامت سالمندی، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران
- ۴- گروه فوریت های پزشکی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

چکیده

مقدمه: با گذشت زمان و تغییرات ساختاری در جوامع، الگوهای ازدواج دچار تحولات چشمگیری شده است. شناسایی دقیق عوامل دخیل در تأخیر ازدواج خصوصاً در میان دانشجویان علوم پزشکی که خود نقش مهمی در سلامت آینده جامعه خواهند داشت، امری ضروری است. پژوهش حاضر با هدف تعیین عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج در دانشجویان مجرد دانشگاه علوم پزشکی نیشابور در سال ۱۴۰۴ طراحی و اجرا شده است.

مواد و روش ها: پژوهش مقطعی توصیفی- تحلیلی حاضر بر روی دانشجویان مجرد دانشگاه علوم پزشکی نیشابور در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ انجام شد. نمونه‌گیری به روش سرشماری انجام شد. داده‌ها با استفاده از دو پرسشنامه شامل: اطلاعات جمعیت‌شناختی و پرسشنامه استاندارد "عوامل مؤثر بر تأخیر در ازدواج" جمع‌آوری شد. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS 21 تجزیه و تحلیل شده و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: در مجموع ۱۴۵ دانشجوی مجرد (۱۰۱ دختر و ۴۴ پسر) با میانگین سنی $21/21 \pm$ سال در مطالعه شرکت نمودند. از دیدگاه دانشجویان مهمترین عوامل دخیل در تأخیر ازدواج به ترتیب عبارت بودند از: عامل اقتصادی، عامل فردی، عامل فرهنگی، عامل اجتماعی و عامل خانوادگی. دو عامل اقتصادی و فردی از نظر آماری معنی‌دار بودند ($P < 0/05$). **بحث و نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج مطالعه حاضر عوامل فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی در مقایسه با عوامل اقتصادی و فردی، نقش کمتری در به تعویق انداختن ازدواج دارند. بنابراین توصیه می‌شود برنامه‌های مداخله‌ای بیش از آنکه بر اصلاح هنجارهای فرهنگی یا خانوادگی متمرکز شوند، به حل مسائل اقتصادی و توانمندسازی فردی بپردازند.

کلید واژه‌ها: تأخیر در ازدواج، دانشجویان علوم پزشکی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی

پژوهشی اصیل

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۳۱

نویسنده مسئول: حسن قدسی

آدرس: نیشابور، بلوار باغچه بان، پردیس

دانشگاه علوم پزشکی نیشابور

تلفن: ۰۹۳۵۵۵۳۷۳۷۲

پست الکترونیک:

ghodsih1@nums.ac.ir



مقدمه

ازدواج به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، نقش اساسی در شکل گیری خانواده و تداوم نسل ها ایفا می کند. این پیوند رسمی که فراتر از تفاوت های مذهبی و فرهنگی است، علاوه بر ایجاد روابط عاطفی عمیق، به عنوان ابزاری برای تقویت بنیان های اجتماعی و انتقال ارزش های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر عمل می کند (۱). ادیان و فرهنگ های مختلف همواره بر اهمیت ازدواج تأکید کرده و آن را زمینه ساز رشد و تعالی فرد و جامعه می دانند. مطالعات متعدد نیز نشان داده اند که افراد متأهل از سلامت جسمی و روانی بهتری برخوردارند و این شکاف سلامت با افزایش سن بیشتر می شود (۲،۳).

با گذشت زمان و تغییرات ساختاری در جوامع، الگوهای ازدواج دچار تحولات چشمگیری شده است. افزایش سن ازدواج از دهه ۱۹۶۰ در ایالات متحده و کشورهای پیشرفته اروپا آغاز شد و در دهه های بعد به سایر مناطق گسترش یافت (۴). این پدیده را می توان به مجموعه ای از عوامل مرتبط دانست. از منظر بهداشتی، توجه به تکامل کامل جسمانی، به ویژه در دختران، اهمیت یافته است (۵). از نظر قانونی، تصویب قوانین حمایت از کودکان منجر به افزایش حداقل سن قانونی ازدواج شد (۶). از منظر فرهنگی نیز ازدواج به تدریج به عنوان تعهدی تلقی شد که نیازمند بلوغ

عاطفی و ثبات مالی است (۷). این عوامل در تعامل با یکدیگر، روند افزایش میانگین سنی در اولین ازدواج را در سطح جهانی رقم زده اند (۸). پیامدهای این پدیده را می توان در ابعاد مختلفی مشاهده کرد: کاهش نرخ باروری، افزایش تجرد قطعی، تغییر در ساختار خانواده و بروز چالش هایی در سلامت روان جوانان از جمله این پیامدها هستند.

در ایران نیز طی چند دهه گذشته، ساختار خانواده دستخوش تغییرات اساسی شده است. گذار از خانواده گسترده به هسته ای، افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ ازدواج، رشد تجرد قطعی، تغییر در ملاک های انتخاب همسر و افزایش طلاق از جمله این تحولات هستند (۹). آمارها نشان می دهد میانگین سن ازدواج زنان از ۱۸/۴ سال در ۱۳۴۵ به ۲۳/۴ سال در ۱۳۹۰ رسیده و برای مردان از ۲۵ به ۲۶/۷ سال افزایش یافته است (۱۰). براساس آمار سازمان ثبت احوال در سال ۱۴۰۰، میانگین سن ازدواج برای مردان ۲۷/۸ و برای زنان ۲۳/۶ سال بوده که در سال ۱۴۰۴ به ترتیب ۲۸/۳ و ۲۴/۲ افزایش یافته است (۱۱).

تأخیر در ازدواج به ویژه در میان جوانان به یک مسئله اجتماعی جدی تبدیل شده که پیامدهای گسترده ای به همراه دارد. این پدیده باعث افزایش شکاف بین نسل ها و کاهش انتقال ارزش های اجتماعی می شود (۱۲). تغییر



زنان، استقلال مالی زنان، و بالا رفتن سطح انتظارات جوانان و خانواده‌ها اشاره کرد (۱۶، ۱۷).

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات بر ابعاد اقتصادی تأخیر ازدواج متمرکز بوده‌اند در حالی که تأثیر عوامل فرهنگی نوظهور و انتظارات فردی، به‌ویژه در میان دانشجویان کمتر مورد کاوش قرار گرفته است (۲۱، ۲۲). دانشجویان علوم پزشکی به دلیل ماهیت رشته تحصیلی خود که مستلزم صرف زمان طولانی برای تحصیل و کسب تخصص است، با چالش‌های منحصربه‌فردی در زمینه ازدواج مواجه هستند. فشارهای روانی ناشی از محیط آموزشی، عدم قطعیت درباره آینده شغلی، و انتظارات بالا از همسر آینده از جمله عواملی هستند که ممکن است تأخیر در ازدواج را در این قشر تشدید کنند (۵، ۲۰).

در شرایطی که سیاست‌های کلان کشور از جمله قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت بر تسهیل امر ازدواج و فرزندآوری تأکید دارند (۲۳)، شناسایی دقیق عوامل دخیل در تأخیر ازدواج خصوصاً در میان دانشجویان علوم پزشکی که خود نقش مهمی در سلامت آینده جامعه خواهند داشت، امری ضروری است. لذا، پژوهش حاضر با هدف تعیین عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج در دانشجویان مجرد دانشگاه علوم پزشکی نیشابور در سال ۱۴۰۴ طراحی و اجرا شد.

الگوهای ازدواج پیامدهای جمعیتی و اجتماعی قابل توجهی از جمله رواج پدیده تجرد، تحول در ساختار خانواده و کاهش فرزندآوری را در پی داشته است (۱۳). ظهور روابط صمیمانه غیررسمی در قرن بیست و یکم، شیوه‌های سنتی ازدواج را مختل کرده و به کاهش نرخ ازدواج و افزایش طلاق دامن زده است (۱۴).

عواقب تأخیر در ازدواج فراتر از مسائل فردی است و ابعاد کلان اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. کاهش نرخ جایگزینی نسلی، پیری جمعیت، مشکلات تأمین نیازهای جنسی، شکل‌گیری روابط خارج از چارچوب و بروز مشکلات روانی مانند ناامیدی، تنهایی و افسردگی از جمله این پیامدها هستند (۱۵، ۱۷). از سوی دیگر، ازدواج در سنین پایین‌تر (به‌ویژه دهه بیست زندگی) با کاهش خطر طلاق، بهبود سلامت جسمی (کاهش بیماری‌های قلبی عروقی و سرطان) و افزایش ثبات زناشویی ارتباط دارد (۱۸، ۱۹). در مقابل، افزایش سن ازدواج می‌تواند به شکل‌گیری خانواده‌های کم استحکام و افزایش آسیب‌های اجتماعی منجر شود (۱۵، ۲۰).

عوامل متعددی در تأخیر ازدواج نقش دارند که از جمله می‌توان به ضعف زیرساخت‌های اقتصادی، بیکاری، تورم، هزینه‌های بالای زندگی، رسوم نادرست فرهنگی، تغییر نگرش‌ها نسبت به ازدواج، افزایش سطح تحصیلات به‌ویژه در



مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی از نوع توصیفی - تحلیلی است که در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ در میان کلیه دانشجویان مجرد شاغل به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی نیشابور (سه دانشکده پزشکی، پرستاری و مامایی و بهداشت) انجام شد. جامعه پژوهش شامل ۵۱۲ دانشجوی مجرد دانشگاه علوم پزشکی نیشابور بود. حجم نمونه بر اساس فرمول کرجسی و مورگان معادل ۲۱۷ نفر محاسبه گردید (۲۴). نمونه‌گیری به روش سرشماری طراحی شد. با این حال، به دلیل همزمانی اجرای پژوهش با مجازی شدن کلاس‌ها و تعطیلی دانشگاه‌ها، امکان دسترسی به تمامی نمونه میسر نشد. در نهایت، ۱۴۵ دانشجو (۱۰۱ دختر و ۴۴ پسر) در مطالعه شرکت نمودند که معادل ۲۸/۳ درصد از جامعه هدف و ۶۶/۸ درصد از حجم نمونه محاسبه شده بود. در نهایت تعداد ۱۴۵ دانشجو (۱۰۱ دختر و ۴۴ پسر) پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند. معیارهای ورود به مطالعه شامل اشتغال به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی نیشابور در زمان اجرای پژوهش و مجرد بودن دانشجو (هرگز ازدواج نکرده) بود. معیارهای خروج از مطالعه شامل عدم تمایل به همکاری، تکمیل ناقص پرسشنامه و مهمان بودن دانشجو (صرفاً یک ترم) در نظر گرفته شد. گردآوری داده‌ها با استفاده از دو ابزار انجام شد. ابزار اول، پرسشنامه اطلاعات

جمعیت شناختی بود که شامل متغیرهایی نظیر سن، جنس، رشته تحصیلی، ترم تحصیلی، محل سکونت، وضعیت اقتصادی خانواده، سطح تحصیلات پدر و مادر، شغل والدین، تعداد فرزندان خانواده، رتبه تولد و وضعیت حضور والدین در خانواده بود. ابزار دوم، پرسشنامه عوامل مؤثر بر تأخیر در ازدواج بود که توسط نصیری در سال ۱۳۹۶ طراحی شده و روایی آن با کمک تحلیل عاملی تاییدی و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰.۸۵ تایید شده است (۲۱). این پرسشنامه دارای ۶۳ سؤال است و علل تأخیر در ازدواج را در پنج بعد فردی (۱۸ سؤال)، اجتماعی (۱۶ سؤال)، خانوادگی (۸ سؤال)، فرهنگی (۱۱ سؤال) و اقتصادی (۱۰ سؤال) مورد بررسی قرار می‌دهد. سؤالات این پرسشنامه بر اساس طیف پنج گزینه ای لیکرت از «کاملاً موافقم» نمره ۵ تا «کاملاً مخالفم» نمره ۱، نمره گذاری می‌شوند و نمره بالاتر نشان دهنده تأثیر بیشتر عامل مورد نظر در تأخیر ازدواج است. با توجه به اینکه پایایی پرسشنامه اصلی در سال ۱۳۹۶ محاسبه شده بود در این پژوهش مجدد پایایی آن مورد بررسی قرار گرفت. پایایی درونی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه (۰/۸۷۹) و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب: عامل اقتصادی (۰/۹۱۴)، عامل فرهنگی (۰/۸۶۴)، عامل اجتماعی (۰/۸۶۴)، عامل فردی (۰/۸۷۹) و عامل



خانوادگی (۰/۸۳۲) بود که نشان دهنده پایداری مناسب ابزار می باشد.

سوالات پرسشنامه در بستر پرسلاین طراحی و لینک آن توسط نماینده کلاس ها از طریق کانال های دانشجویی در شبکه های اجتماعی ایتا، بله و روبیکا در اختیار دانشجویان واجد شرایط در رشته های مختلف قرار گرفت، در مراحل نهایی به منظور لکه گیری و افزایش تعداد مشارکت کنندگان تعدادی پرسشنامه کاغذی تهیه و در اختیار افرادی که از طریق الکترونیک مشارکت نداشتند قرار گرفت. کلیه پرسشنامه ها چک شد تا فردی دوبار اقدام به تکمیل پرسشنامه نکرده باشد. پیش از تکمیل پرسشنامه ها، رضایت آگاهانه از کلیه شرکت کنندگان اخذ گردید. به شرکت کنندگان اطمینان داده شد که شرکت در مطالعه کاملاً داوطلبانه است و آنان می توانند در هر مرحله از پژوهش، از مطالعه خارج شوند. محرمانگی اطلاعات شرکت کنندگان به طور کامل تضمین شد. پرسشنامه ها بدون نام بودند و اطلاعات شخصی به هیچ وجه در گزارش های پژوهش ذکر نشد. پس از جمع آوری داده ها، اطلاعات وارد نرم افزار آماری SPSS 21 شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

توصیف متغیرهای کمی با کمک شاخص های آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف معیار و متغیرهای کیفی با کمک فراوانی و درصد انجام گردید. همچنین برای مقایسه

میانگین عوامل پنج گانه موثر بر تاخیر در ازدواج بین دو گروه مستقل (مانند جنسیت: مرد/زن، وضعیت بومی: بومی/غیربومی، تحصیلات پدر: دانشگاهی/غیردانشگاهی، تحصیلات مادر: دانشگاهی/غیردانشگاهی) از آزمون تی مستقل (Independent samples t-test) استفاده شد. به منظور مقایسه میانگین عوامل پنج گانه بین چند گروه مستقل (مانند وضعیت اقتصادی: ضعیف/متوسط/خوب، محل سکونت: خوابگاه/منزل شخصی/منزل والدین، دانشکده: بهداشت/پزشکی/پرستاری، سال تحصیلی: سال اول تا چهارم) از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه^۱ استفاده شد. در کلیه آزمون های آماری $P < 0.05$ به عنوان سطح معناداری در نظر گرفته شد.

یافته ها

ویژگی های جمعیت شناختی

از مجموع ۱۴۵ دانشجوی مجرد شرکت کننده، ۱۰۱ نفر زن (۶۹/۷ درصد) و ۴۴ نفر مرد (۳۰/۳ درصد) بودند. میانگین سنی دانشجویان $21/21 \pm 21/55$ سال بود که این میزان در مردان ($22/73 \pm 3/33$ سال) و به طور معناداری بیشتر از زنان ($21/04 \pm 1/17$ سال) بود. اکثر دانشجویان به ترتیب از دانشکده بهداشت (۷۴/۵ درصد)، پزشکی (۱۳/۸ درصد) و پرستاری و مامایی (۱۱/۷ درصد) بودند. از نظر وضعیت

¹ one-way ANOVA



سکونت، ۸۰/۷ درصد دانشجویان غیربومی و در خوابگاه
 سکونت داشتند. همچنین، ۶۱/۴ درصد پدران و ۶۵/۵ درصد
 مادران دانشجویان دارای تحصیلات غیر دانشگاهی (بی‌سواد
 تا دیپلم) بودند. از نظر وضعیت اقتصادی، ۷۴/۵ درصد
 خانواده‌ها دارای وضعیت اقتصادی متوسط بودند. میانگین
 تعداد فرزندان خانواده‌ها ۳/۲ فرزند و میانگین رتبه تولد
 شرکت کنندگان ۱/۹ بود. جدول شماره (۱) مشخصات
 دموگرافیک نمونه‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی مشخصات جمعیت شناختی دانشجویان مجرد (۱۴۵ نفر)

متغیر	دسته بندی	تعداد (درصد)
جنس	مرد	۴۴ (۳۰/۳)
	زن	۱۰۱ (۶۹/۷)
سن (هر دو جنس)	میانگین $\pm$ انحراف معیار	۲۱/۵۵ $\pm$ ۲/۲۱
دانشکده	پزشکی	۲۰ (۱۳/۸)
	پرستاری و مامایی	۱۷ (۱۱/۷)
	بهداشت	۱۰۸ (۷۴/۵)
سال تحصیلی	سال اول	۱۲ (۸/۳)
	سال دوم	۴۸ (۳۳/۱)
	سال سوم	۶۰ (۴۱/۴)
	سال چهارم	۲۵ (۱۷/۲)
وضعیت بومی	بومی	۲۸ (۱۹/۳)
	غیربومی	۱۱۷ (۸۰/۷)
محل سکونت	منزل والدین	۲۲ (۱۵/۲)
	منزل شخصی	۶ (۴/۱)
	خوابگاه	۱۱۷ (۸۰/۷)
تحصیلات پدر	دیپلم و پایین تر	۸۹ (۶۱/۴)
	بالتر از دیپلم	۵۶ (۳۸/۶)
تحصیلات مادر	دیپلم و پایین تر	۹۵ (۶۵/۵)
	بالتر از دیپلم	۵۰ (۳۴/۵)
وضعیت اقتصادی خانواده	ضعیف	۱۹ (۱۳/۱)
	متوسط	۱۰۸ (۷۴/۵)
	بالا	۱۸ (۱۲/۴)
تعداد فرزندان خانواده	۱ تا ۳ فرزند	۱۱۳ (۷۷/۹)
	۴ فرزند و بالاتر	۳۲ (۲۲/۱)



۲/۸۵، عامل اجتماعی ۲/۸۴ و عامل خانوادگی ۲/۴۱ به ترتیب بیشترین تا کمترین نمره را به خود اختصاص دادند (جدول شماره ۲).

در مقایسه میانگین نمرات موانع تاثیرگذار بر تاخیر در ازدواج در میان کل جمعیت مورد مطالعه (دختران و پسران)

عامل اقتصادی با ۴/۰۶، عامل فردی ۳/۲۴، عامل فرهنگی

جدول شماره ۲: میانگین و انحراف معیار نمره عوامل موثر بر تاخیر در ازدواج به تفکیک جنسیت

عامل	کل نمونه (۱۴۵ نفر)	پسران (۴۴ نفر)	دختران (۱۰۱ نفر)	P-value*
اقتصادی	۴/۰۶ ± ۰/۸۶	۴/۲۰ ± ۰/۷۶	۳/۹۹ ± ۰/۸۹	۰/۰۰۱
فردی	۳/۲۴ ± ۰/۶۸	۲/۹۸ ± ۰/۵۵	۳/۳۶ ± ۰/۷۰	۰/۰۰۳
فرهنگی	۲/۸۵ ± ۰/۷۹	۳/۰۲ ± ۰/۸۰	۲/۷۷ ± ۰/۷۸	۰/۰۸۹
اجتماعی	۲/۸۴ ± ۰/۷۰	۲/۷۷ ± ۰/۶۴	۲/۸۷ ± ۰/۷۲	۰/۴۲۱
خانوادگی	۲/۴۱ ± ۰/۸۳	۲/۶۳ ± ۰/۸۶	۲/۳۱ ± ۰/۸۰	۰/۰۵۳
کل پرسشنامه	۳/۰۹ ± ۰/۵۵	۳/۰۸ ± ۰/۴۷	۳/۱۰ ± ۰/۵۸	۰/۸۳۲

*آزمون تی مستقل برای مقایسه دو جنس

اعداد پررنگ در جدول نشان‌دهنده میانگین بالاتر در مقایسه بین دو جنس است

علت تاخیر در ازدواج بیان شده بود و میانگین این عامل به طور معناداری بیشتر از سایر عوامل بود ($P < ۰/۰۵$).

مقایسه عوامل بر اساس متغیرهای جمعیت‌شناختی

جدول شماره ۳ مقایسه میانگین نمرات عوامل موثر بر تأخیر در ازدواج را بر اساس متغیرهای جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از میان متغیرهای جمعیت‌شناختی بررسی‌شده، تنها جنسیت تأثیر معناداری بر نمرات عوامل تأخیر در ازدواج داشت. سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی شامل وضعیت بومی، وضعیت اقتصادی،

بررسی میانگین نمرات عوامل موثر بر تاخیر در ازدواج از دیدگاه دختران نشان داد مهمترین موانع به ترتیب عبارتند از: عوامل اقتصادی، عوامل فردی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی و عوامل خانوادگی. دو عامل اقتصادی ($P = ۰/۰۰۱$) و عامل فردی از نظر آماری معنی دار بودند ($P = ۰/۰۰۳$).

از دیدگاه پسران مهمترین موانع به ترتیب عبارت بودند از: عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی، عوامل فردی، عوامل اجتماعی و عوامل خانوادگی. در این میان فقط عوامل اقتصادی از نظر آماری معنی دار بود ($P = ۰/۰۰۱$). از دیدگاه نمونه‌های پژوهش حاضر، عامل اقتصادی به عنوان مهمترین



محل سکونت، دانشکده و تحصیلات والدین، تفاوت معناداری در نمرات عوامل پنج‌گانه نشان ندادند ($P > 0.05$).

جدول شماره ۳: مقایسه میانگین نمرات عوامل مؤثر بر تأخیر در ازدواج بر اساس متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیر	دسته‌بندی	تعداد	اقتصادی	فردی	فرهنگی	اجتماعی	خانوادگی
جنسیت	پسر	۴۴	۴/۲۰	۲/۹۸	۳/۰۲	۲/۷۷	۲/۶۳
	دختر	۱۰۱	۳/۹۹	۳/۳۶	۲/۷۷	۲/۷۸	۲/۳۱
	P-value						۰/۰۵۳
وضعیت بومی	بومی	۲۸	۴/۰۱	۳/۲۱	۲/۸۱	۲/۸۲	۲/۳۸
	غیربومی	۱۱۷	۴/۰۷	۳/۲۵	۲/۸۶	۲/۸۵	۲/۴۲
	P-value						۰/۸۲۰
وضعیت اقتصادی	خوب	۱۸	۳/۸۵	۳/۱۵	۲/۷۲	۲/۷۵	۲/۳۱
	متوسط	۱۰۸	۴/۰۹	۳/۲۷	۲/۸۸	۲/۸۶	۲/۴۳
	ضعیف	۱۹	۴/۱۴	۳/۲۰	۲/۸۴	۲/۸۲	۲/۴۴
	P-value						۰/۸۷۴
محل سکونت	خوابگاه	۱۱۷	۴/۰۸	۳/۲۶	۲/۸۷	۲/۸۶	۲/۴۳
	منزل شخصی	۶	۳/۹۵	۳/۱۴	۲/۷۶	۲/۷۳	۲/۳۵
	منزل والدین	۲۲	۴/۰۲	۳/۲۰	۲/۸۰	۲/۸۰	۲/۳۸
	P-value						۰/۸۵۱
دانشکده	بهداشت	۱۰۸	۴/۰۴	۳/۲۲	۲/۸۴	۲/۸۳	۲/۴۰
	پزشکی	۲۰	۴/۱۲	۳/۳۱	۲/۹۰	۲/۸۸	۲/۴۶
	پرستاری	۱۷	۴/۰۸	۳/۲۸	۲/۸۶	۲/۸۵	۲/۴۲
	P-value						۰/۹۰۳
تحصیلات پدر	غیردانشگاهی	۸۹	۴/۰۵	۳/۲۳	۲/۸۴	۲/۸۳	۲/۴۰
	دانشگاهی	۵۶	۴/۰۸	۳/۲۶	۲/۸۷	۲/۸۶	۲/۴۳
	P-value						۰/۸۳۱
تحصیلات مادر	غیردانشگاهی	۹۵	۴/۰۵	۳/۲۴	۲/۸۴	۲/۸۴	۲/۴۱
	دانشگاهی	۵۰	۴/۰۸	۳/۲۵	۲/۸۶	۲/۸۵	۲/۴۲
	P-value						۰/۸۴۷

*برای متغیرهای دوگانه از آزمون تی مستقل و برای متغیرهای سه‌گانه از آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه^۱ استفاده شد.

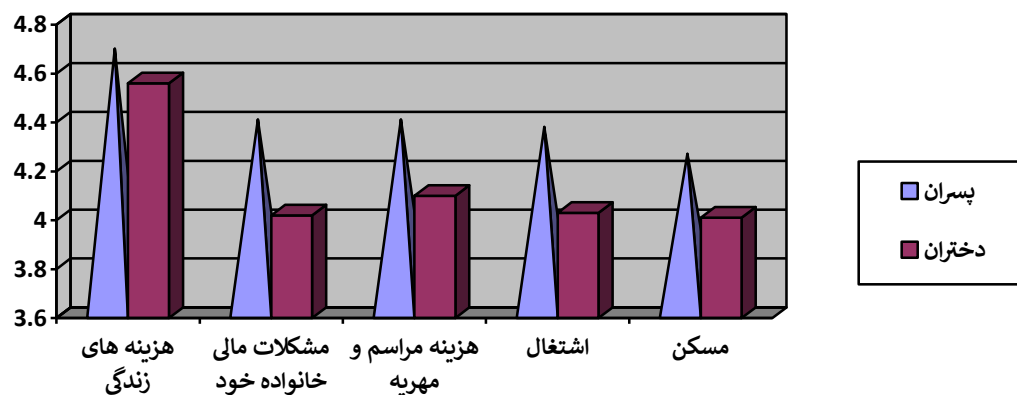


بررسی گویه‌های پرسشنامه

از دیدگاه پسران، گویه‌های مرتبط با عوامل اقتصادی در صدر مهم‌ترین علل تأخیر در ازدواج قرار دارند. بالاترین میانگین‌ها به ترتیب عبارت بودند از: نگرانی از عدم تأمین هزینه‌های زندگی پس از ازدواج ($4/68 \pm 0/74$)، مشکلات مالی خانواده خود ($4/39 \pm 0/97$)، نگرانی از هزینه‌های مراسم ازدواج و مهریه ($4/39 \pm 0/84$)، دغدغه اشتغال و درآمد پایدار در آینده ($4/36 \pm 0/94$) و عدم توانایی در تهیه مسکن مناسب ($4/25 \pm 0/97$).

از دیدگاه دختران، علاوه بر گویه‌های اقتصادی بالا، گویه‌های

مرتبط با عوامل فردی نیز از میانگین بالایی برخوردار بودند. بالاترین میانگین‌ها به ترتیب عبارت بودند از: نگرانی از عدم تأمین هزینه‌های زندگی پس از ازدواج ($4/56 \pm 0/84$)، عدم ثبات اقتصادی در کشور ($4/16 \pm 1/11$)، نگرانی از هزینه‌های مراسم ازدواج و مهریه ($4/10 \pm 1/06$)، مشکلات مالی خانواده طرف مقابل ($4/09 \pm 1/15$) و دغدغه اشتغال و درآمد پایدار در آینده ($4/03 \pm 1/20$). همچنین، گویه ترس از تعهد و مسئولیت‌پذیری پس از ازدواج ($3/93 \pm 1/01$) و اولویت دادن به ادامه تحصیل و اهداف شخصی ($3/85 \pm 1/04$) از مهمترین عوامل فردی از دیدگاه دختران بودند.



نمودار ۱- مقایسه ۵ گویه برتر عوامل موثر بر تأخیر ازدواج به تفکیک جنسیت

در بین هر دو جنس نیز در میان عوامل فردی، ترس از ازدواج ($3/97 \pm 0/96$) و ترس از مشکلات پس از ازدواج ($3/83 \pm 1/01$) مهمترین عوامل تأخیر در ازدواج از دیدگاه

بحث

یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی سلامت جسمی و روانی یک جامعه سن ازدواج است، بالا رفتن سن ازدواج می‌تواند

دانشجویان مجرد بودند. دخالت خانوادگی در مسایل زناشویی مهمترین مولفه در بعد عوامل خانوادگی بود ($3/01 \pm 1/31$).

در مسیر سلامت جامعه اختلالاتی را ایجاد کند (۲۵). یافته پژوهش حاضر نشان داد که میانگین سنی پسران ($22/73$)



این الگو در میان دانشجویان تحصیل کرده شهری نشان می‌دهد که غلبه عامل اقتصادی بر سایر موانع، پدیده‌ای فراتر از بافت جغرافیایی یا جمعیت‌شناختی خاص است.

همچنین، مطالعه ای توسط شفائی مقدم و همکاران (۲۰۱۵) در شهرستان کاشان به بررسی عوامل مؤثر در نگرش منفی به ازدواج پرداخت و اقتصاد را یکی از عوامل کلیدی معرفی کرد (۲۸). از سوی دیگر جهاندار در مطالعه پدیدارشناختی خود در مورد فرآیند تأخیر ازدواج در جوانان تهرانی، «دغدغه‌های اقتصادی» را به عنوان یکی از ۱۲ مضمون اصلی استخراج کردند و نشان دادند که دغدغه‌های اقتصادی، ترس از آینده شغلی و ناتوانی در تأمین هزینه‌های زندگی از مهم‌ترین موانع ذهنی جوانان برای ازدواج است (۲۹).

نکته قابل تأمل این است که در مطالعه حاضر، با وجود آنکه ۷۴/۵٪ از دانشجویان درآمد خانواده خود را متوسط ارزیابی کرده‌اند، عامل اقتصادی همچنان بالاترین نمره را دارد. این تناقض ظاهری نشان می‌دهد که نگرانی اقتصادی لزوماً بازتاب درآمد فعلی خانواده نیست، بلکه بیشتر ناشی از چشم‌انداز شغلی نامطمئن و ترس از ناتوانی در تأمین هزینه‌های زندگی مستقل پس از ازدواج است.

از سوی دیگر یافته‌های این مطالعه نشان داد که عوامل اقتصادی به طور معناداری بالاتر از سایر موانع قرار دارد ($P < 0.05$). این یافته با پژوهش‌های پیشین در زمینه موانع ازدواج در جوامع در حال توسعه همخوانی دارد. مطالعه ترابی و شمس نشان داد که فراوان‌ترین عامل تعیین‌کننده تاخیر در ازدواج، عامل اقتصادی است (۳۰). صالحی‌اصفهانی

(سال) به طور معناداری بالاتر از دختران (۲۱/۰۴ سال) است. این الگو با داده‌های ملی ایران نیز همخوانی دارد: بر اساس گزارش مرکز آمار ایران (۱۳۹۸)، میانگین سن ازدواج مردان ۲۹.۹ سال و زنان ۲۵ سال گزارش شده است (۲۶). از جمله پیامدهای این موضوع می‌توان به افزایش اضطراب و فشار عصبی، شیوع افسردگی، اختلالات رفتاری، تغییر الگو و رفتارهای ازدواج اشاره کرد (۲۷).

در بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۱/۵۵ سال بود و پسران به طور معناداری سن بالاتری از دختران داشتند (۲۲/۷۳ در مقابل ۲۱/۰۴ سال). این تفاوت سنی ممکن است نشان‌دهنده وجود هنجارهای فرهنگی باشد که در آن مردان باید قبل از ازدواج به ثبات اقتصادی و شغلی بیشتری دست یابند. همچنین اکثر دانشجویان (۸۰/۷٪) غیربومی و ساکن خوابگاه بودند که می‌تواند خود به‌تنهایی یک عامل زمینه‌ساز برای افزایش موانع اقتصادی و فردی باشد. درآمد ۷۴/۵٪ از خانواده‌ها در سطح متوسط گزارش شده که نشان می‌دهد حتی وضعیت اقتصادی نسبتاً مناسب نیز نتوانسته است نگرانی‌های اقتصادی را کاهش دهد.

یافته پژوهش حاضر که عامل اقتصادی را با میانگین ۴/۰۶ از ۵ به عنوان مهم‌ترین مانع ازدواج از دیدگاه دانشجویان معرفی می‌کند، با نتایج مطالعات متعدد داخلی و بین‌المللی همخوانی کامل دارد. در سطح ملی، پژوهشی که توسط نصیری و همکاران (۲۰۱۷) انجام شد، نشان داد که از میان عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، تنها عامل اقتصادی است که تأثیر معناداری بر افزایش سن ازدواج در میان یک جامعه با بافت روستایی را دارد (۲۱). پژوهش حاضر با تکرار



نقش‌های جنسیتی و افزایش سطح تحصیلات و آگاهی‌های فردی در میان زنان جوان تفسیر کرد. در مطالعه ترابی نیز بعد از عوامل اقتصادی، افزایش سطح تحصیلات دومین عامل در تاخیر در ازدواج معرفی شده است (۳۰). همچنین محمدی سیف و عارف در مطالعه خود با عنوان "آسیب شناسی تاخیر سن ازدواج در جوانان ایرانی" از ادامه تحصیل به عنوان مهمترین عامل فردی در تاخیر ازدواج نام برده اند (۳۴).

در مقابل، عوامل فرهنگی (۲/۸۵)، عوامل اجتماعی (۲/۸۵) و عوامل خانوادگی (۲/۴۱) نمرات پایین‌تری را کسب کردند و تفاوت معناداری بین دو جنس نداشتند. عامل خانوادگی با کمترین میانگین نشان داد که مخالفت خانواده با ازدواج یا مداخلات خانوادگی در حال حاضر مانع جدی به شمار نمی‌رود که با یافته‌های برخی مطالعات پیشین مانند مطالعه محمدی سیف همخوانی ندارد (۳۴). نمره پایین عامل خانوادگی در مطالعه حاضر می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که خانواده‌ها نسبت به گذشته رویکرد بازتری نسبت به ازدواج جوانان پیدا کرده‌اند و مداخلات فامیلی تا حدودی کاهش یافته است.

این مطالعه دارای چند محدودیت بود: ۱- به دلیل ماهیت مقطعی، امکان نتیجه‌گیری درباره روابط علی و معلولی وجود ندارد. ۲- تمرکز مطالعه بر روی دانشجویان علوم پزشکی نیشابور تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌کند. ۳- علیرغم نمونه‌گیری سرشماری، به دلیل مجازی شدن کلاس‌ها و تعطیلی دانشگاه‌ها، حجم نمونه نهایی (۱۴۵ نفر) کمتر از حجم محاسبه‌شده (۲۱۷ نفر) بود. ۴- عدم توازن جنسیتی (۱۰۱ دختر در مقابل ۴۴ پسر) تحلیل مقایسه‌ای بین دو

در مطالعه خود بر روی جوانان ایرانی نشان داد که فشارهای اقتصادی توانایی جوانان را برای تشکیل خانواده کاهش داده و این فشارها به ویژه جوانان با پیشینه اقتصادی ضعیف‌تر را سخت‌تر تحت تأثیر قرار داده است (۳۱). در مطالعه زاری نیز عامل اقتصادی مهمترین عامل تاخیر در ازدواج جوانان در تبریز بود (۳۲). بررسی جزئی‌تر نشان داد که دغدغه اشتغال و درآمد پایدار، نگرانی از تأمین هزینه‌های زندگی و مشکلات مالی خانواده از مهم‌ترین مصادیق این عامل هستند. نکته قابل توجه آنکه میانگین نمره عامل اقتصادی در پسران (۴/۲۰) به طور معناداری بالاتر از دختران (۳/۹۹) بود و از نظر آماری این اختلاف معنی دار بود ($P < 0.05$) که نشان می‌دهد پسران فشار سنگین‌تری را از نظر تأمین مخارج زندگی احساس می‌کنند. این موضوع با نقش سنتی تأمین‌کننده اقتصادی برای مردان در فرهنگ ایرانی سازگار است. بگی در مطالعه خود با عنوان "تعیین‌کننده‌های تغییرات نسلی و دوره‌ای ازدواج در ایران" نشان داد که مدل "مرد نان‌آور خانواده" در ایران همچنان غالب است و این مسئله باعث می‌شود فشار اقتصادی بر دوش مردان برای ازدواج سنگین‌تر از زنان باشد (۳۳).

مانع بعدی موثر بر تاخیر از دواج از دیدگاه دانشجویان در این مطالعه، عامل فردی با میانگین ۳/۲۴ شناسایی شد. اما الگوی آن در دو جنس متفاوت بود: دختران نمره معناداری بالاتری (۳/۳۶) در مقابل پسران (۲/۹۸) داشتند که این اختلاف معنی دار بود ($P < 0.05$). بررسی گویه‌ها نشان داد که اولویت دادن به ادامه تحصیل و اهداف شخصی و ترس از محدود شدن آزادی‌های فردی پس از ازدواج، دغدغه اصلی دختران است. این یافته را می‌توان در چارچوب تغییر



جنس را با محدودیت مواجه ساخته است. برای کاهش این محدودیت‌ها، پژوهشگران از روش ترکیبی (الکترونیکی و حضوری) برای حداکثر مشارکت استفاده کردند و تحلیل‌ها به تفکیک جنسیت انجام شد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که از دیدگاه دانشجویان مجرد دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، عامل اقتصادی اصلی‌ترین مانع ازدواج است و پسران بیشتر از دختران تحت تأثیر آن قرار دارند. در مقابل، عامل فردی به ویژه برای دختران اهمیت دارد؛ به طوری که بسیاری از دختران تحصیل‌کرده، ازدواج را در تعارض با اهداف تحصیلی، شغلی و آزادی‌های فردی خود می‌بینند. بر خلاف تصور رایج، عوامل فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی نقش کمتری در تأخیر ازدواج دارند.

بر اساس این یافته‌ها، سیاست‌های تشویق ازدواج باید جنسیت‌محور طراحی شوند: تمرکز بر رفع موانع اقتصادی (اشتغال پایدار، وام کم‌بهره، مسکن حمایتی) برای پسران و توانمندسازی فردی و تغییر نگرش‌های مربوط به تعارض ازدواج با استقلال فردی برای دختران. همچنین طراحی برنامه‌های حمایتی ویژه دانشجویان غیربومی (مانند تسهیل

ازدواج دانشجویی در خوابگاه‌ها) و اجرای کارگاه‌های مهارت‌های زندگی (هوش هیجانی، حل تعارض، تصمیم‌گیری صحیح) توسط مرکز مشاوره دانشگاه توصیه می‌شود.

پیشنهاد می‌شود مطالعات کیفی با رویکرد پدیدارشناسی برای درک عمیق‌تر و جزئی‌تر تجارب زیسته دانشجویان، به ویژه در مورد عوامل اقتصادی و فردی انجام شود. همچنین انجام مطالعات تطبیقی در سایر دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور توصیه می‌گردد.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر برگرفته از طرح پژوهشی مصوب کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی نیشابور با کد اخلاق ۱۴۰۳-۰۷-IR.NUMS.REC می‌باشد. تیم پژوهش مراتب قدردانی خویش را از کمیته تحقیقات دانشجویی و معاونت محترم تحقیقات و فناوری دانشگاه و کلیه افرادی که ما را در اجرای این مطالعه یاری نمودند ابراز می‌نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند هیچگونه تضاد منافعی در این مقاله وجود ندارد.

References

- 1.Imam K, Akhouri D. Marriage and adjustment. International journal of health sciences. 2022;6(S3):11413-5.
- 2.Harahap AP, Setyorini HH. Kedudukan Harta Bersama dalam Perkawinan Campuran Antara Warga Negara Indonesia dan Warga Negara Asing. 2023; 2:6027-38.
- 3.Moradi G, Safarian M. Effective socio-economic factors on the increase of the youth marriage age. Sociological Studies of Youth. 2012;3(7):81-108.
- 4.Guner N, Kulikova Y, Llull J. Guner N, Kulikova Y, Llull J. Does marriage make you healthier? Center for economic policy research. 2014. No. DP10245, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2526358>



5. Mohamadpour A, Taghavi N. The social factors of rising age of marriage. *Journal of Sociological Studies*. 2013;5(20):39–53.
6. Jones GW. Delayed marriage and very low fertility in Pacific Asia. *Population and development review*. 2007;33(3):453–78.
7. Grigienė J, Cerka P, Perkumiene D. The Age of Consent and the Reduction of the Age of Consent in Church and Civil Marriages and their Interaction. *Baltic Journal of Law & Politics*. 2016;9(1):183.
8. Yulita, N, Baso, F, Sari, K. N, Halmuniati, H, Mu'min, S. A, Djaoe, A. N. Legal Age of Marriage: A Socio-Science Review. *Knowledge Ecology International*. 2020. Available from: <https://www.neliti.com/publications/514616/legal-age-of-marriage-a-socio-science-review>.
9. Kazemipour Sh. Changes in the Family in Contemporary Iran Emphasis on Marriage and Divorce. *Journal of Information Systems and Telecommunication*. 2022;2(4):95–126. doi:20.1001.1.3060821.1401.2.4.6.2
10. Bagheri S, Madahi J, Lotfi Khachki T. Semantic Concept of Delayed Marriage Age Based on Grounded Theory (Case Study: Girl Students in Mashhad). *Woman in Development & Politics*. 2019;17(1):43–69.
11. The legal age of marriage is increasing every year [Internet]. 2025. Available from: <https://www.khabaronline.ir/news/2140371>
12. Janalizadeh H, Soliemani MR. Generation Gap: Illusion or Reality. *Quarterly of Sociological Studies of Youth*. 2010;1(1):63–100.
13. Nikkhah HA, Fani M, Asgharpour A. Students' attitude towards marriage and factors affecting it. *Journal of Applied Sociology*. 2017;28(3):99–122.
14. Sahebame M. Marriage Across the 'Color' Spectrum: Making Commitment Palatable in Iran. Thesis (Ph.D) University of Washington, 2023. Available at: <https://hdl.handle.net/1773/50881>.
15. Reshadi M, Gheisarian E. Studying the Phenomenon of Delay in the Age of Marriage among the Youth in Ilam province. *Socio-Cultural Development Studies*. 2022;11(2):91–118.
16. Khandan Z, Seyydan F, Rezaei Z. The lived experience of single youth in relation to increasing the age of marriage (examining the attitudes, causes, strategies and strategies of youth To increase the age of marriage. *Bi-Q J Islam Stud Soc Inj*. 2021;2(2):163–84.
17. Hosseini H, Sadeghi R, Rezaei A. Determinants of Delay Marriage among Girls in Iran. *Community Development (Rural and Urban)*. 2019;11(1):147–72.
18. Lehrer EL. Age at marriage and marital instability: Revisiting the Becker–Landes–Michael hypothesis. *Journal of Population Economics*. 2008;21(2):463–84.
19. Lampard R. Age at marriage and the risk of divorce in England and Wales. *Demographic Research*. 2013;29(167):202.
20. Habibpour Gatabi K, Ghaffary G. A study on the causes of rising marriage age among girls. *Woman in Development & Politics*. 2011;9(1):34.
21. Nasiri F, BeheshtiRad R, Soltanzadeh V. Factors affecting the increase in the age of marriage among women and the growing number of unmarried women in Hamadan Province. Final research report. Hamadan University of Medical Sciences; 2017.
22. Zarean M. Investigation of the reasons for delayed marriage from the viewpoint of female students in Tehran. *Journal of Woman and Family Studies*. 2018;6(2):86–110.



- 23.The “Family Protection and Youth Population Act”. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1678266>.
- 24.Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*,. 1970;30(3):607–10. doi:<https://doi.org/10.1177/001316447003000308>
- 25.Murayama S. Regional standardization in the age at the marriage: A comparative study of preindustrial Germany and Japan. *His Fam.* 2000;6:303–24.
- 26.Tabkhi, F., Manshadi, M.D. & Rezapour-Mirsaleh, Y. Phenomenological investigation of negative attitudes towards marriage in female students. *BMC Psychol.* 2025;13(654). doi:<https://doi.org/10.1186/s40359-025-02520-7>
- 27.Ayatollahi Z. The papolation and family planning. Qom: Education office publication; First Edition. 2013.
- 28.Niazi M, Shaterian M, Shafae Moqaddam E. The study of Socio-cultural and Economic Factors in Negative Attitudes to Marriage. *Journal of Sociological Cultural Studies.* 2015;6(2):27–58.
- 29.Jahandar E, Shariatmadar A. The Study of Marriage Postponement Process in the Youth: A Phenomenological Study. *Journal of Counseling Research.* 2024;23(89):4–35.
- 30.Torabi F, Shams Z. Factors Affecting Marriage Delay in Iran and around the World. *Journal of Population Association of Iran.* 2022;16(32):141–75. doi:20.1001.1.1735000.1400.16.32.5.
- 31.Salehi-Isfahani, D. Iranian Youth in Times of Economic Crisis. Cambridge University Press (CUP), *Iran Studies.* 2011, 44, 789–806, <https://doi.org/10.1080/00210862.2011.570510>.
- 32.Zari S, Kangari M, Jafari-Khounigh A. Factors Contributing to Delayed Marriage among Youth: A Cross-Sectional Study in Northwestern Iran. *Health and Development Journal.* 2025;14(1191). doi:Health and Development Journal
- 33.Bagi M. Determinants of generational and periodic changes of marriage in Iran. *Interdisciplinary Studies in the Humanities.* 2022;14(4):35–62. doi:<https://doi.org/10.22035/isih.2021.4578.4534>
- 34.Mohammadi Seif M, Aref M. Pathology of Delaying of the Age of Marriage in Iran (Identifying and Analyzing the most Important Individual, Familial, Economic, Social and Cultural Factors). *Journal of Cultural Engineering.* 2016;10(86):74. Available from: <https://www.magiran.com/p1582632>



Causes of Marriage Delay from the Perspective of Single Students at Neyshabur University of Medical Sciences: A Cross-Sectional Study, 2025

Negar Mirzaei¹, Fateme Eris¹, Alireza Ghodsi², Hasan Ghodsi^{3,4}

- 1- Students Research Committee, Neyshabur University of Medical Sciences, Neyshabur, Iran
- 2- Department of Statistics Faculty of Mathematics and Computer Science Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran
- 3- Healthy Ageing Research Centre, Neyshabur University of Medical Sciences, Neyshabur, Iran
- 4- Department of Medical Emergencies, School of Nursing and Midwifery, Neyshabur University of Medical Sciences, Neyshabur, Iran.

Type of Article Original Research

Received: 11/6/2026

Accepted: 22/7/2026

***Corresponding Author:**

Hasan Ghodsi

Address: Baghcheban Blvd,
Neyshabur University of
Medical Sciences, Neyshabur,
Iran

Cell phone: 09355537372

Tel: 051- 43306357

Email:

ghodsih1@nums.ac.ir

ABSTRACT

Introduction

Over time and due to structural changes in societies, marriage patterns have undergone significant transformations. Accurately identifying these factors, particularly among medical sciences students who will play a crucial role in the future health of society, is essential. The present study was designed and conducted with the aim of determining the factors affecting marriage delay among single students at Neyshabur University of Medical Sciences in 2025.

Methods

This descriptive-analytical cross-sectional study was conducted on single students at Neyshabur University of Medical Sciences during the first semester of the 2025-2026 academic year. Census sampling was applied. Data were collected using a demographic questionnaire and the standard "Factors Affecting Marriage Delay" questionnaire. Data analysis was performed using SPSS 21, with a significance level set at $P < 0.05$.

Results

A total of 145 single students (101 females and 44 males) with a mean age of 21.55 ± 2.21 years participated in the study. From the students' perspectives, the most important factors contributing to marriage delay were, in order: economic factors, individual factors, cultural factors, social factors, and family factors. Economic and individual factors were statistically significant ($P < 0.05$).

Conclusions

Based on the results of the present study, cultural, social, and family factors play a lesser role in delaying marriage compared to economic and individual factors. Therefore, it is recommended that intervention programs focus more on resolving economic issues and individual empowerment rather than on modifying cultural or family norms.

Keywords

Marriage Delay, Medical Students, Economic Factors, Social Factors

► Please cite this article as: Mirzaei N, Eris Y, Ghodsi A.R, Ghodsi H. Causes of Marriage Delay from the Perspective of Single Students at Neyshabur University of Medical Sciences: A Cross-Sectional Study, 2025. *J Neyshabur Univ Med Sci* 2026;13(3)